[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۲، بهار ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۱۲۵-۱۵۲

:20.1001.1.22286713.1401.14. 52.7.5

تراجم‌نگاری کرامت‌محور در ترازو

(مطالعه موردی: پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی)

علی حسن‌بیگی[۱]

چکیده: یکی از دانش‌های دیرینه در میان دانشیان مسلمان «دانش تراجم‌نگاری» است. یکی از ویژگی‌های آثار برخی تراجم‌نگاران ایرانی معاصر «کرامت‌محوری» است. آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از مفسران قرآن کریم و عالمان زاهد است. تراجم‌نگاران او را صاحب کرامت دانسته‌اند. پیشگویی او دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری کرامتی است که به او نسبت داده‌اند. نگارندهٔ این نوشتار درصدد ارزیابی گزارش این کرامت است. تا کنون نوشته‌ای در ارزیابی کرامت مذکور یافت نشده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و کاربست معیارهای نقد گزارش‌های تاریخی، به این نتیجه رسیده که گزارش مذکور با واقعیت تاریخی در تعارض است. عدم اطلاع خاندان نوری و حائری از این رویداد و بازتاب نیافتن آن در میان تراجم‌نگاران گذشته، قرینهٔ دیگری بر بی‌اعتباری گزارش این پیشگویی است.

واژه‌های کلیدی: تراجم‌نگاری، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، پیشگویی، نوری، حائری یزدی، معیارهای نقد

---

۱ دانشیار گروه الهیات دانشگاه اراک a-hasanbagi@araku.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 52, Spring 2022
Reserch Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 125-152

The miracle-centered Ethnography (Tarajom)

Case study: Prophecies of Mullah Fath Ali Sultanabadi

Ali Hasan Beygi[1]

Abstract: One of the ancient knowledges among Muslim scholars is the "Tarajom", that is miracle-centered ethnography. Mullah Fath Ali Sultanabadi is one of Iranian commentators of the Holy Quran and ascetic scholars. The writers of Tarajom's knowledge have considered him to have shown some miracles. His prediction of the fate of Sheikh Fazlullah Nouri and Ayatollah Sheikh Abdul Karim Haeri were among the miracles attributed to him. This paper seeks to evaluate the report of his miracles. So far, no study has been done for evaluation of the said miracles. This study, using descriptive-analytical method and application of the criteria relevant to critique of historical reports, has concluded that the report is in conflict with historical reality. Lack of knowledge of the Nouri and Haeri families regarding this event and the fact that it has not been reflected by past men of Tarajon are the reasons of invalidity of such prediction reports.

Keywords: Tarajom (miracle-centered ethnography), Mullah Fatah Ali Sultanabadi, Nouri, Haeri Yazdi, critique criteria.

1 Associate Professor, Department of Theology, Arak University a-hasanbeigi@araku.ac.ir
Recive Date: 2021/10/9 Accept Date: 2022/03/15

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

مقدمه

«معجزه» و «کرامت» در فرهنگ دینی مسلمانان از جایگاه بالایی برخوردار است و متکلمان اشعری و شیعی به صورت مفصل دربارهٔ این دو مقوله بحث کرده‌اند. آنان معتقدند معجزه دلیل صدق ادعای نبوت است و در نتیجه راستگو و دروغگو از یکدیگر شناسایی می‌شوند. همچنین آنان معتقدند معجزه به پیامبر اختصاص دارد، ولی کرامت مختص پیامبر نیست و صدور آن از سوی اولیای الهی نیز ممکن است (شهرستانی، ۱۴۳۰ق: ۴۹۶-۴۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۳۱/۲۱-۴۳۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۷: ۳۵۱-۳۵۰؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۸۲؛ ابن‌میثم بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۸۲؛ بیاضی، [بی‌تا]: ۹۴/۱؛ نراقی، ۱۳۸۰: ۹۵-۹۶؛ محسنی، ۱۴۲۸: ۳۹/۳). متکلمان معتزلی منکر صدور کرامات از سوی اولیای الهی می‌باشند (زمخشری، [بی‌تا]: ۶۳۲/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۳۱/۲۱-۴۳۲ ؛ مشیدی، ۱۳۷۹: ۲۸۵). از سوی دیگر، «تراجم‌نگاری» از دانش‌هایی است که به معرفی شخصیت‌های مشهور می‌پردازد. نویسندگان تراجم که بیشتر اشعری و شیعی‌اند، نسبت به نقل کرامات موضع مثبتی داشته و گاهی به نقل کرامات اقدام کرده‌اند. گفتنی است برخی تراجم‌نگاران معاصر ایرانی بیش از آنکه به معرفی و اندیشه‌های شخصیت مورد نظر بپردازند، به نقل کرامات روی آورده‌اند. در این زمینه می‌توان به آثاری از قبیل *لاله‌ای از ملکوت*، *در محضر لاهوتیان*، *کیمیای محبت*، *زمزم عارفان* و *ناگفته‌های عارفان* اشاره کرد. این رویکرد سبب شده است کرامات راست و دروغ نقل شوند و در نتیجه، راه سوء استفاده برای برخی افراد گشوده شود؛ همچنین به‌تدریج در جامعه نسبت به همهٔ کرامت‌ها حتی کرامات منسوب به امامان(ع) بدبینی پدید آید. اعتبارسنجی کرامت‌ها یکی از اقدامات بایسته است تا از رهگذر اعتبارسنجی آنها راه سوء استفاده و بدبینی نسبت به کرامت‌های مستند سدّ شود. آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از عالمان و مفسران قرن چهاردهم، به داشتن کرامت مشهور است. پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی درباره سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، از کراماتی است که به او نسبت داده شده است. نگارندهٔ این نوشتار درصدد ارزیابی گزارش این کرامت بر پایهٔ کاربست معیارهای نقد تاریخی است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

پیشینه پژوهش

«تراجم‌نگاری» همواره از دانش‌های مورد علاقهٔ دانشیان مسلمان بوده است. ابن‌سعد در قرن دوم قمری با نگارش *الطبقات الکبری* دانش تراجم‌نگاری را بنیان نهاد. در آغاز، کتاب‌های تراجم به شرح احوال عالمان، پادشاهان، عابدان و محدثان می‌پرداختند. در این کتاب‌ها گاهی به نقل کرامت‌ها مبادرت می‌شد. پس از فتوحات مسلمانان و آشنایی آنان با مسیحیت و رواج تصوف، نقل کرامات در کتاب‌های تراجم فزونی یافت. از آن پس، تراجم‌نگاران به جای شرح زندگانی و دیدگاه‌های اشخاص، بیشتر به نقل کرامت‌ها روی آورده بودند. به عبارت دیگر، کتاب‌های تراجم «کرامت‌محور» شدند. ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از عالمانی است که دربارهٔ او کراماتی نقل شده است. حسن فرید هزاوه‌ای در جلسه‌ای در سال ۱۳۴۹ش. به پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله عبدالکریم حائری اشاره کرد. حسن امین یکی از حاضران این جلسه بود. او اولین بار در سال ۱۳۶۷ش. در «احوال و افکار ملا هادی سبزواری» گزارش فرید هزاوه‌ای را نقل کرد (جامی، ۱۳۷۹: ۱۴). در دی ۱۳۷۱ صدوقی سها که در مجلس شادروان فرید هزاوه‌ای هنگام نقل پیشگویی آخوند ملا فتحلی سلطان‌آبادی حضور داشته، مقاله‌ای با عنوان «رساله‌ای در ترجمت حال آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی» در شمارهٔ ۴۵ *کیهان اندیشه* منتشر کرد.[۱] در این مقاله پیشگویی مذکور نقل شد. چهار سال پس از انتشار مقالهٔ صدوقی سها، در فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵ مقاله‌ای با عنوان «آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی» توسط حسن امین در شماره ۶۵ *کیهان اندیشه* منتشر شد که در آن نویسنده دوباره پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از زبان فرید هزاوه‌ای را نقل کرد. شش سال پس از مقاله حسن امین، صدوقی سها در سال ۱۳۸۱ در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ حکما و عرفای متأخر» دوباره به شرح حال ملا فتحعلی سلطان‌آبادی پرداخت و پیشگویی مذکور را نقل کرد. نویسندهٔ کتاب *سلطان سلوک* این پیشگویی را بی‌کم‌وکاست از «تاریخ حکما و عرفای متأخر» نقل کرد (نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۲۰۲). گزارش صدوقی سها از پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در

---

۱ گفتنی است این مقاله بدون نام نویسنده منتشر شد. سبک نگارش و بازنویسی آن در «تاریخ حکماء و عرفای متأخر» گویای این است که منوچهر صدوقی سها نویسندهٔ مقاله مذکور بوده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

کتاب *فقیه مؤسس* منعکس شده است (انصاریان، ۱۳۹۸: ۲۹۸-۲۹۹). محسن خرازی در سال ۱۳۸۳ش. در کتاب *روزنه‌هایی از عالم غیب* پیشگویی مذکور را از زبان میرزای نائینی با تفاوت‌هایی نقل کرده است (خرازی، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۶۰). محمد محمدی ری‌شهری این پیشگویی را از زبان آیت‌الله بهجت به نقل از شیخ عبدالکریم حائری بیان کرده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷). این گزارش با گزارش خرازی تفاوت اندکی دارد. شبیری زنجانی در ۱۹ شوال ۱۴۳۱ق پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را به نقل از سید حسن فرید محسنی بیان کرده بود. نقل و تأیید پیشگویی مذکور توسط شبیری زنجانی که از عالمان رجال و تراجم‌نگاری است، سبب شد این گزارش از مقبولیت بیشتری برخوردار شود و در فضای مجازی و سایت‌ها بازتاب وسیعی پیدا کند.

معیارهای نقد تاریخ

گزارش‌های تاریخی با کاربست و براساس معیارهای گوناگونی ارزیابی می‌شوند. در ذیل به دو مورد اشاره می‌شود.

الف. مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر

در آغاز «دانش تراجم» و «تاریخ» ذیل «دانش حدیث» بوده و در بستر آن نشو و نما کرده بودند. بر این اساس، مورخان و تراجم‌نگاران گزاره‌های تاریخی و تراجمی را با معیارهای نقد حدیث ارزیابی می‌کردند. «مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر» معیاری در ارزیابی گزاره‌های حدیثی، تاریخی و تراجمی بود. در قرن دوم قمری مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر در میان محدثان مرسوم شده بود. سفیان ثوری (۹۵-۱۴۴ق) یکی از محدثان برجستهٔ اهل سنت گفته است: «هرگاه راویان به دروغ‌گویی روی آورند، برای کشف دروغ آنان از تاریخ استفاده می‌کنیم» (خطیب بغدادی، ۱۴۰۵ق: ۱۴۷). حسّان‌بن زید (حمّادبن زید؛ ۹۸-۱۷۹ق) از محدثان گفته است: «هیچ چیزی همچون تاریخ علیه دروغ‌گویان نیست. از مُحدِّث و راوی می‌پرسیم چه سالی متولد شده‌ای؟ از پاسخش راست‌گویی و دروغ‌گویی او مشخص می‌شود» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۳۶۹/۷). در ذیل به برخی نمونه‌ها اشاره شده است:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

۱. ابن‌اسحاق (۸۰–۱۵۱ق) نوشته است پیامبر(ص) میان منذربن عمرو و ابوذر غفاری عقد اخوّت بست و آن دو با یکدیگر برادر شدند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱۵۲/۲). واقدی (۲۰۷–۱۲۹ق) معتقد است این گزارش صحیح نیست؛ زیرا پیمان اخوت در میان مسلمانان پیش از جنگ بدر (سال دوم هجرت) روی داد و ابوذر در آن سال در مدینه نبود، بلکه او پس از جنگ احزاب (سال پنجم) وارد مدینه شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۴ق: ۴۳۳/۲، ۱۵۹/۳).

۲. ابن‌اسحاق نوشته است پیامبر(ص) میان جعفربن أبی‌طالب و معاذبن جبل عقد اخوّت بست (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱۵۱/۲). واقدی معتقد است این گزارش صحیح نیست؛ زیرا پیمان اخوت در میان مسلمانان پیش از جنگ بدر (سال دوم هجرت) روی داد و جعفر در آن زمان در حبشه به سر می‌برد. او هفت سال پس از رویداد پیمان اخوت وارد مدینه شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۴ق: ۴۴۹/۲، ۲۵/۳). ابن‌هشام (متوفای ۲۱۳ یا ۲۱۸ق) نیز به ناسازگاری گزارش پیوند برادری میان جعفربن أبی‌طالب و معاذبن جبل و غایب بودن جعفربن أبی‌طالب در آن زمان اشاره کرده است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱۵۱/۲).

۳. گزارش کرده‌اند که سهیل‌بن بیضاء اسلام خویش را پنهان می‌کرد؛ لذا قریش او را همراه خود به جنگ بدر بردند. او اسیر مسلمانان شد و با گواهی عبدالله‌بن مسعود که او را در مکه در حال نماز خواندن دیده بود، از بند اسارت رها شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۴ق: ۱۵۰/۳). ابن‌سعد نوشته است این گزارش صحیح نیست؛ زیرا او پیش از عبدالله‌بن مسعود مسلمان شد و به مدینه هجرت کرد؛ همراهی او با پیامبر(ص) در جنگ بدر از مسلّمات تاریخ است (همان، ۱۵۱).

۴. از امام صادق(ع) نقل شده است امام حسین(ع) در ۵۸ سالگی به شهادت رسید؛ چنان‌که امام حسن(ع) هم در ۵۸ سالگی از دنیا رفتند (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۵). مورخی نوشته است این گزارش (حدیث) صحیح نیست؛ زیرا از مسلمات تاریخ این است که امام حسن(ع) در سال سوم هجرت به دنیا آمده و در سال ۵۱ هجری در ۴۸ سالگی از دنیا رفته است (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۵).

ب. «عقل»

مهم‌ترین ابزار در نقد گزارش‌های تاریخی «عقل» است؛ زیرا عقل براساس اطلاعاتی که در اختیارش قرار می‌گیرد، سند و متن گزارش را ارزیابی می‌کند. برای مثال، در

برخی گزارش‌ها آمده است خلیفه دوم فرمان داد کتاب‌های کتابخانه اسکندریه سوزانده شود. عمروبن عاص والی شهر کتاب‌ها را بین چهارهزار حمام تقسیم کرد و حجم کتاب‌ها آن‌قدر زیاد بود که به مدت شش ماه برای گرم کردن حمام‌های اسکندریه مورد استفاده قرار گرفت (ابن‌العبری ملطی، ۱۳۶۴: ۱۶۳؛ زیدان، ۱۳۷۲: ۴۴۵/۳ ؛ حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۵).

با بهره‌گیری از معیار عقل، می‌توان نتیجه گرفت که گزارش مذکور منطقی و قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا حجم فراوان کاغذ لازم است که بتوان چهارهزار حمام را در مدت شش ماه با آنها گرم کرد. با توجه به اینکه هنوز صنعت چاپ اختراع نشده بود، آیا قابل پذیرش است که این همه کتاب در اسکندریه وجود داشته باشد که سوخت چهارهزار حمام را کفاف کند؟ (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۲۷۸/۱-۲۷۹؛ مطهری، ۱۳۵۹: ۳۴۰-۳۴۱؛ حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۵).

فرید هزاوه‌ای و پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

همان‌گونه که در پیشینه اشاره شد، پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی توسط آیت‌الله حائری و آیت‌الله نائینی گزارش شده است. راوی گزارش حائری، فرید هزاوه‌ای است. او در جلسه‌ای در سال ۱۳۴۹ش. به پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری اشاره کرد. امین و صدوقی سها در این زمینه نوشته‌اند: «فاضل بارع، آقای سید حسن فرید هزاوه‌ای اراکی که در ریاضی و نجوم و هیأت و معقول و منقول دستی توانا دارد به روز جمعه سوم مهر ماه ۱۳۴۹خورشیدی در منزل مسکونی خود واقع در تهران، خیابان شهباز کرامتی از آن بزرگوار از قول مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (متوفای ۱۳۱۵ش/۱۳۵۵ق) مؤسس حوزه علمیه قم نقل کرد که از این جهت اشتمال بر افادات عالیه عرفانی و تاریخی عیناً در این دفترچه ثبت می‌شود. در همان سال‌های دهه ۱۳۳۰ قمری چنان اتفاق افتاد که مرحوم حاج شیخ بیمار شد و من هم به عیادت ایشان رفتم. پس از چند دقیقه طبیب محل (به نام دکتر فضل‌الله‌خان) به عیادت حاج شیخ آمد و بعد از معاینه ایشان گفت حال شما خوب است اگر چایی و شتب [چپق] کم میل کنید. حاج شیخ از دکتر پرسید چایی و شتب چه عیبی دارد؟

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

طبیب جواب داد از عمر می‌کاهد. حاج شیخ گفت شما به اروپا رفته‌اید؟ آنها حساب‌گرند. چایی و شتب چه قدر از عمر انسان کم می‌کند؟ دکتر پاسخ گفت صدی سی (سی درصد). حاج شیخ گفت پس اگر قرار باشد من صد سال حداکثر عمر کنم، هم اکنون هفتاد سال دارم و هنگام مردن من است. باکی نیست. بعد دستور داد که یک چایی غلیظ و شتب تمیز برایش بیاورند. آوردند و میل فرمود. طبیب رفت. آنگاه دو نفر دیگر از روحانیان اراک به عیادت حاج شیخ آمدند و با آمدن ایشان حاج شیخ سر حال آمد و شروع به نقل بعضی از خاطراتش کرد و فرمود در حجره یکی از مدارس عتبات عالیات در خدمت میرزای کوچک [حاج میرزا محمدتقی شیرازی داماد حاج میرزا حسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ] نشسته بودم. مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری شهید هم با چند تن دیگر افتخار حضور داشتند. ناگاه مردی ژولیده از راه رسید که به جای عمامه دستمال‌مانندی بر سر پیچیده بود و قبای کهنه و عبایی وصله خورده بر سر و دوش داشت و هم پارچه‌ای به جای شال گردن بر گردن آویخته بود. کفشی که از پارگی قیامتی بود و تخت نداشت. با رسیدن این مرد تازه رسیده، میرزا از جای جست و به تازه‌وارد آن چنانی احترامی گذاشت و تواضع کرد. آن مرد بنشست و با اشاره به حاج شیخ فضل‌الله نوری، از میرزا پرسید آقا کیست؟ مرحوم میرزای کوچک فرمود ایشان آقای حاج شیخ فضل‌الله نوری از علما هستند. تازه‌وارد خطاب به شیخ فضل‌الله نوری گفت حاج شیخ فضل‌الله نوری نامی را در تهران بر دار می‌زنند، نکند تو باشی؟ آن مرد آنگاه به من اشاره کرد و از میرزا پرسید این کیست؟ فرمود ایشان آقا شیخ عبدالکریم یزدی است. مادرش در اندرون ما به کارهای خانه کمک می‌کند و خودش نیز شروع کرد به درس خواندن و اکنون طلبه فاضلی است؛ آدم خوبی هم هست. تازه‌وارد از من مسأله‌ای پرسید. من از فرط سادگی سؤال جوابی ندادم؛ زیرا با خود گمان می‌کردم که این شخص فالگیر و کف‌بین است و حالا می‌خواهد با این پرسش علمیت مرا هم آزمایش کند. نگاهی به او کردم؛ «نگه کردن عاقل اندر سفیه» و لب فرو بستم اما میرزا به خشم در من نگریست و خود بلافاصله در پاسخ پرسش آن مرد عجیب و غریب فرمود علما چنین می گویند ... [جواب مسأله را داد]. آن مرد گفت نه! این طور است ... [و شروع به صبحت کرد]. میرزا تقریر او را نوشت و بعد نوشته خود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

را به او نشان داد و پرسید این طور فرمودید؟ مرد نگریست و گفت آری. آنگاه آن ناشناخته مرد دوباره متوجه من شد و خطاب به من گفت بیرق ریاست تشیع را در قم بر دوش حاج شیخ عبدالکریم یزدی نامی می‌گذارند، نکند تو باشی! اهل مجلس همه به گونه‌ای ابهام‌آمیز در من نگریستند. آن زمان مرد ژولیده از جای برخاست و عازم رفتن شد. میرزا متواضعانه کفش‌های آن چنانی این مرد ناشناخته را جفت کرد. او را به تمام و کمال بدرقه فرموده و برگشت. آنگاه با من بسیار تغیّر کرد و از سوء ادب من بسیار برآشفته شده بود. آن وقت من پرسیدم مگر ایشان که بودند؟ میرزا فرمودند آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی. چندی بر نیامد که میرزای شیرازی در عتبات عالیات بدرود حیات گفت و رسم میرزا آن بود که به اهالی هر ولایت که به زیارت او می‌رفتند، در حق عالم آن ولایت تکریم و تجلیل می‌کرد. قبل از مرگ او جماعتی از زائران اراکی به عتبات عالیات به خدمت او رسیده بودند و میرزا فرموده بود در احتیاطات به فتوای حاج شیخ عبدالکریم که مجتهد شهر خودتان است عمل کنید. چون این زوار از عراق به مرز ایران رسیدند، خبر فوت میرزا نیز رسید. این زوار گفتند ما به دو گوش خود از میرزا شنیدیم که در احتیاطات به فتوای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی عمل باید کرد. لذا به شهادت این شهود حاج شیخ در مظنه مرجعیت تامه قرار گرفت و طلاب و فضلا از اطراف برای استفاده از محضر او به اراک آمدند تا آن که آن مرحوم در ۱۳۴۰ هجری قمری از اراک به قم هجرت فرمود و حوزه علمیه این شهر را تجدید کرد (امین، ۱۳۷۵: شمارهٔ ۶۵، صص۱۷۵–۱۷۸؛ صدوقی سها، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

آیت‌الله خوئی و پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

آیت‌الله نائینی از فقیهان حوزهٔ علمیه نجف اشرف نیز پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را نقل کرده است. ناقل این روایت آیت‌الله خوئی شاگرد آیت‌الله نائینی است. آیت‌الله بهجت از آیت‌الله خوَئی و او از آیت‌الله نائینی چنین نقل کرده است: «در محضر مرحوم آقای شیخ محمدتقی شیرازی بودم. آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقای شیخ فضل‌الله نوری هم بودند. شخصی ژولیده مو و با لباس غیرمرتّب وارد شد. او را نمی شناختیم. مسأله‌ای از آقای حاج شیخ پرسید. حاج شیخ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

جواب ندادند. کسی گفت علما این طور فرموده‌اند. ایشان گفت درست نگفتند. مسأله باید چنین و چنان باشد. ما در تعجب فرو رفتیم ولی میرزا محمدتقی شیرازی گفته او را تقریر کرد. آن شخص رو کرد به حاج شیخ فضل‌الله نوری و فرمود کسی به نام شیخ فضل‌الله در تهران به دار آویخته می‌شود، نکند تو او باشی و رو کرد به آقای حاج شیخ عبدالکریم و فرمود کسی به نام شیخ عبدالکریم در قم پرچم علم و مرجعیت را بالا می‌برد، نکند تو او باشی! حاضرین تعجب کردند. او بلند شد برود. مرحوم میرزا کفش‌های او را جلویش جفت کردند و از منزل بیرون رفت. از میرزا محمدتقی پرسیدند این آقا کی بود؟ فرمود آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی. مرحوم حاج شیخ فرمود من جزء طبقه دوم هستم، چگونه پرچم مرجعیت و علم را در قم بالا می‌برم؟! آقای بهجت فرمودند آقا شیخ فضل‌الله بعد مرید آخوند ملا فتحعلی شده است» (خرازی، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۶۰).[۱] نویسندهٔ *زمزم عرفان* نیز پیشگویی مذکور را به نقل از آیت‌الله بهجت نقل کرده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۵۶-۱۵۷)؛ با این تفاوت که ناقل رویداد مذکور به جای آیت‌الله نائینی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری است. از آنجا که گزارش اخیر با گزارش مرحوم آیت‌الله نائینی تفاوتی اندک دارد، از نقل جداگانهٔ آن خودداری شد. گفتنی است بر پایهٔ زندگینامهٔ شخصیت‌های محوری این پیشگویی (آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، آیت‌الله نائینی، شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله حائری) -که در ادامه به آن اشاره می‌شود- جلسهٔ مذکور در سامراء و طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق. برگزار شده است.

فضای پدیداری گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

همان‌گونه که اشاره شد، فرید هزاوه‌ای در سال ۱۳۴۹ش. اقدام به نقل پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری کرد. به نظر می‌رسد گزارش مذکور متأثر از فضای سیاسی-اجتماعی ایران در آن دوره است. توضیح آنکه اعدام شیخ فضل‌الله توسط مشروطه‌خواهان تأثیر ناخوشایندی بر روحانیان گذاشت (زیباکلام، ۱۳۷۷: ۴۶۶). رویدادهای پس از

---

۱ در زندگینامهٔ شیخ فضل‌الله اشاره شده است که ارادت او به آخوند ملا فتحعلی به سال‌های پیش از این پیشگویی بازمی‌گردد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

مشروطیت از قبیل به قدرت رسیدن رضاخان، کشف حجاب، کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی دکتر مصدق نیز روشنفکران مذهبی را بیش از بیش به مشروطیت بدبین کرد و اعدام شیخ فضل‌الله نوری را نمادی از تسلط غرب بر ایران تلقی کردند (آل احمد، ۱۳۵۷: ۴۰۲/۲). این جریان که از مدرنیزاسیون افراطی محمدرضاشاه پهلوی فاصله گرفته و به سنت‌ها پناه برده بود، نمی‌توانست بدون رویکرد به روحانیت و دین به کارش ادامه دهد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶۶). از سوی دیگر، رفتار متین مراجع دینی قم از قبیل شیخ عبدالکریم حائری، سید صدرالدین صدر و آیت‌الله بروجردی در جذب تحصیل‌کردگان دانشگاهی به اسلام و روحانیان سهیم بود. به نظر می‌رسد در چنین فضایی پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری طرح شده است.

آسیب‌شناسی گزارش کرامت ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

گزارش‌های تاریخی و تراجمی دچار آسیب‌هایی است که در ذیل به آن اشاره شده است.

الف. فاصله میان وقوع رویدادها و نقل و ثبت آنها

یکی از آسیب‌های جدی که صحت و اعتبار گزارش‌های تاریخی و تراجمی را در معرض تهدید و تردید قرار می‌دهد، فاصلهٔ زمانی جدی بین رویداد و نقل و ثبت آن رویداد است (حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۱۷). گزارش شیخ عبدالکریم حائری و آیت‌الله نائینی از کرامت مذکور نیز دچار این آسیب شده است؛ زیرا طبق گزارش شیخ عبدالکریم حائری، رویداد مذکور می‌بایست به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق. مربوط باشد.[۱] پس از حدود بیست سال شیخ عبدالکریم حائری در اراک به نقل کرامت ملا

---

۱ شیخ فضل‌الله نوری حدود سال ۱۳۰۰ق. سامرا را به قصد تهران ترک کرد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۲). در تهران یکی از عالمان متنفذ شد. از آن پس تراجم‌نگاران تاریخ سفرهای او را بیان می‌کنند. برای مثال، شیخ آقا بزرگ تهرانی از مسافرت شیخ فضل‌الله نوری به مشهد در سال ۱۳۱۱ق. و سفر حج در سال ۱۳۲۰ق. یاد کرده است (همان، همان‌جا). هیچ‌یک از تراجم‌نگاران پس از رفتن شیخ فضل‌الله نوری به تهران، از بازگشت مجدد او به سامراء یاد نکرده‌اند. اگر بر فرض شیخ فضل‌الله نوری در سفر حج برای زیارت امامین(ع) به سامراء وارد شده باشد، باز هم برگزاری چنین جلسه‌ای و حضور افراد مذکور ممکن نیست؛ زیرا آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دو سال پیش از سفر حج شیخ فضل الله نوری، یعنی در سال ۱۳۱۸ق. درگذشته است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

فتحعلی سلطان‌آبادی اقدام کرده بود. فرید هزاوه‌ای نیز حدود چهل یا پنجاه سال بعد در تهران کرامت مذکور را از زبان شیخ عبدالکریم حائری نقل کرد که توسط امین و صدوقی سها ثبت شد. آیت‌الله نائینی نیز که طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق. شاهد کرامت مذکور بوده، حدود سی سال بعد پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را برای شاگردش آیت‌الله خوئی که در سال ۱۳۳۸ق. در درس نائینی شرکت کرده بود (خوئی، ۱۴۱۰ق: ۲۰/۲۳؛ امین، ۱۴۱۶ق: ۱۶/۷؛ حکیم، ۱۴۲۷ق: ۱۶۵/۸)، نقل کرد. احتمالاً سی سال بعد کرامت مذکور را آیت‌الله خوئی برای آیت‌الله بهجت که در سال ۱۳۵۲ق. وارد حوزهٔ علمیه نجف اشرف شده بود، نقل کرده است. مشخص نیست چند سال بعد آیت‌الله بهجت این کرامت را نقل کرده و پس از آن آیت‌الله خرازی آن را در کتاب خویش ثبت کرده است.

ب. تأثیر مبانی فکری گزارش کننده بر نقل رویدادها

از آنجا که گزارشگران رویدادها انسان‌ها می‌باشند و هر انسانی دارای مبانی فکری ویژه‌ای است، اصولاً رویداد آن‌گونه که رخ داده است، گزارش نمی‌شود، بلکه براساس قالب فکری گزارشگران به دیگران منتقل می‌گردد (حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۱۸). گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی توسط فرید هزاوه‌ای به نقل از شیخ عبدالکریم حائری، دچار آسیب مذکور است؛ زیرا فرید هزاوه‌ای گرایش‌های صوفیانه داشت (صدوقی سها، ۱۳۸۱: ۲۵۳؛ همو، ۱۳۵۷: ۲۴۳) و افرادی که گرایش‌های صوفیانه دارند، به شاخ و برگ دادن به کرامت‌ها علاقه‌مندند.

ج. گزارش‌ها و بی‌اعتنایی به شرایط حاکم بر پدیداری رویدادها

یکی از مهم‌ترین تنگناها و محدودیت‌های گزارش‌های تاریخی و تراجمی، بی‌توجهی به شرایط حاکم بر پدیداری رویدادهاست. بسیاری از گزارشگران به دلیل وضوح حادثه برای خود و یا ملاحظهٔ نفع شخصی، از بیان شرایط وقوع رویداد امتناع می‌کنند. در صورتی که وقتی رویداد از شرایط وقوعش تجرید شد، داوری نسبت به آن رویداد با واقعیت فرسنگ‌ها فاصله پیدا می‌کند و اتفاقاً مذمت‌ها و تمجیدهای بی‌پایه در همین فضا شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که احاطه به شرایط رویدادها قضاوت اشخاص را به کلی دگرگون می‌کند (حسن‌بگی، ۱۳۹۶: ۱۹). این آسیب به وضوح در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

گزارش کرامت آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دیده می‌شود؛ زیرا نه شیخ عبدالکریم حائری بستر و شرایط پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را در مورد سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و خود توضیح داده و نه فرید هزاوه‌ای به این نکته پرداخته که چرا شیخ عبدالکریم حائری به نقل این کرامت پرداخته است. همچنین نائینی شرایط پیشگویی مذکور را توضیح نداده و آیت‌الله خوئی نیز از توضیح دربارهٔ شرایط بازگویی کرامت مذکور توسط نائینی دریغ کرده است. بر پایهٔ این سه ویژگی، ابعاد گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی روشن نیست؛ به همین دلیل نمی‌توان با اطمینان در این زمینه سخن گفت.

گزارشگران کرامت ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

به نظر می‌رسد پیش از کاربست معیارهای نقد، ضروری است که زندگینامهٔ چهار شخصیت محوری این کرامت، یعنی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله حائری و آیت‌الله نائینی در ادامه بررسی شود؛ زیرا کاربست معیارهای نقد و ارزیابی در گرو توجه به زندگینامهٔ چهار شخصیت نام‌برده است.

۱. زندگینامهٔ ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

ملا فتحعلی سلطان‌آبادی فرزند ملا حسن عراقی حدود سال ۱۲۴۳ق. در سلطان‌آباد متولد شد.[۱] او در نجف محضر صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری را درک و سپس در درس میرزای شیرازی شرکت کرد. پس از اقامت میرزای شیرازی در سامرا، آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی و میرزا حسین نوری و شیخ فضل‌الله نوری

۱ قابل یادآوری است که هیچ‌یک از تراجم‌نگاران سال تولد آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را مشخص نکرده‌اند. مرحوم صدر معاصر آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی نوشته است آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در سال ۱۳۱۸ق. در هفتاد و چند سالگی از دنیا رفت (صدر، [بی‌تا]: ۱۹۵/۴). بنابراین اگر بنا را بر درگذشت آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در هفتاد و پنج سالگی بگذاریم، زمان تولد او حدود ۱۲۴۳ق. می‌شود. مرحوم صدیق نزدیک به همین تاریخ تخمینی را چنین عنوان کرده است که حاج ملا فتحعلی فرزند ملا حسن عراقی در سال ۱۲۴۰ق. متولد شد (صدیق، ۱۳۷۲: ۶۴). مرحوم دهگان در سالشمار رویدادهای اراک نوشته است: یکی دیگر از وقایع این سال (۱۳۱۸ق) فوت مرحوم حاج ملا فتحعلی زاهد است (۴ربیع‌الاول ۱۳۱۸ در ۸۵ سالگی) (دهگان، ۱۳۹۶: ۲۱۵). لذا می‌توان گفت براساس درگذشت آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی در سال ۱۳۱۸ق. در ۸۵ سالگی، تولد او در سال ۱۲۳۳ق. بوده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

(داماد میرزا حسین نوری) به دنبال میرزای شیرازی در سال ۱۲۹۲ق. به سامرا هجرت کردند. یکی از تراجم‌نگاران معاصر ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از او به عنوان شخصیتی یاد کرده که همواره مورد تکریم و ارادت عالمان بزرگ بوده است. جایگاه علمی و عملی او سبب شد میرزای شیرازی در سامرا امامت جماعت را به او واگذار و اقتدا به وی را توصیه کند. ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در سال ۱۳۰۵ق. پیش از نابینایی به زیارت خانهٔ خدا رفت. تسلط و چیرگی در تفسیر قرآن کریم و فهم حدیث، او را از معاصران ممتاز کرد. سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر و میرزا حسین نوری بر تسلط ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در تفسیر اذعان داشتند؛[1] همچنین همگان بر زهد و تقوای او معترف بودند. از او به جمال سالکان، زینت مجتهدان و صاحب کرامات یاد شده است. ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در سال ۱۳۱۸ق. در هفتاد و چند سالگی در کربلا درگذشت. جنازهٔ او به نجف اشرف انتقال یافت و در صحن علوی به خاک سپرده شد (صدر، [بی‌تا]: ۱۹۵/۴، ۳۴۸/۵؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۱۱/۱۷-۱۲؛ امین، ۱۴۰۳ق: ۳۹۲/۸؛ نوری، [بی‌تا]: ۲۶۶/۲؛ حکیم، ۱۴۰۸ق: ۹۵/۱؛ شریف رازی، [بی‌تا]: ۵۱/۳؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۰: ۳۸۰/۲؛ ولاشجردی فراهانی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲).

۲. زندگینامهٔ شیخ فضل‌الله نوری

شیخ فضل‌الله نوری در سال ۱۲۵۸ق. در روستای «لاشک» از توابع بخش کجور مازندران متولد شد. مقدمات دروس حوزهٔ علمیه را در نور فرا گرفت و در تهران به

---

۱ مرحوم آیت‌الله سید محسن حکیم در بحث «بطون قرآن کریم» نوشته است: یکی از بزرگان می‌گفت روزی در خانهٔ آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی رفته بودم. در آن جلسه سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر و میرزا حسین نوری صاحب *مستدرک الوسائل* نیز حضور داشتند. آخوند ملا فتحعلی آیه شریفه «وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيانَ أُولئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (سورهٔ حجرات، آیهٔ ۷) را تلاوت کرد. سپس به توضیح و تفسیر آن پرداخت. حاضران از چنین تفسیری شگفت‌زده شدند که چگونه تاکنون به چنین معنایی توجه نداشته‌اند. تفسیر این آیه سی روز طول کشید و در هر جلسه آخوند تفسیر بدیعی از آیه را بیان می‌کرد؛ به‌طوری که حاضران اظهار شگفتی می‌کردند (حکیم، ۱۴۰۸ق: ۹۵/۱). مرحوم علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین، سید اسماعیل صدر، میرزا حسین نوری، شیخ محمدتقی شیرازی، سید محمد اصفهانی، شیخ حسنعلی تهرانی، سید ابراهیم خراسانی، شیخ حسن کربلایی و میرزا حسین نائینی از شرکت کنندگان جلسه‌ای بودند که هر هفته در صبح جمعه در زمینهٔ تفسیر از سوی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی برگزار می‌شد (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

ادامهٔ تحصیل پرداخت. پس از سال ۱۲۸۰ق. وارد نجف شد و در درس شیخ راضی، میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزای شیرازی حاضر گردید. او در نجف با دختر میرزا حسین نوری[۱] ازدواج کرد. در سال ۱۲۸۸ق. که هنوز در نجف اقامت داشت، به اتفاق عده‌ای از عالمان و طلاب حوزهٔ نجف به مسجد «سهله» واقع در کوفه رفتند. او در آنجا شاهد یکی از کرامت‌های ملا فتحعلی سلطان‌آبادی بود و در یادداشتی به نقل آن پرداخت. در سال ۱۲۹۲ق. به اتفاق میرزا حسین نوری و ملا فتحعلی سلطان‌آبادی به سامرا هجرت کرد و به میرزای شیرازی پیوست. او یکی از برترین شاگردان میرزای شیرازی بود. شیخ فضل‌الله نوری حدود سال ۱۳۰۰ق. به تهران بازگشت.[۲] او در آنجا به تدریس و اقامهٔ نماز جماعت پرداخت. در سال ۱۳۱۱ق. به زیارت امام رضا(ع) نائل شد. در سال ۱۳۲۰ق. به مکه مشرف شد و حج را به جای آورد. شیخ فضل‌الله نوری به دنبال انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۸ش. به شهادت نائل شد. بعدها جنازه‌اش به قم انتقال یافت و در حجره‌ای در صحن اتابکی به خاک سپرده شد (صدر، [بی‌تا]: ۲۳۰/۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۴۴۰/۱۳، ۳۹/۱۷؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۲؛ واعظ خیابانی، ۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۶۵؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۸ق: ۴۹۱/۱۴).

۳. زندگینامهٔ شیخ عبدالکریم حائری یزدی

شیخ عبدالکریم حائری حدود سال ۱۲۸۰ق.[۳] در «مهرجرد» میبد از توابع اردکان متولد شد. مقدمات دروس حوزه را در اردکان و یزد فرا گرفت. هجده ساله بود که برای ادامهٔ تحصیل به کربلا مشرف شد. دو سال در آنجا اقامت گزید و *شرح لمعه* و *قوانین* را در حوزهٔ علمیه کربلا فرا گرفت. در سال ۱۳۰۳ق. به اتفاق مادرش وارد سامرا گردید. مادرش در کارهای خانه میرزای شیرازی به اهل خانه کمک می‌کرد. شیخ عبدالکریم حائری *رسائل* و *مکاسب* را همراه میر سید علی یزدی مدرّسی نزد میرزا

۱ میرزا حسین نوری دایی شیخ فضل‌الله نوری بوده است.

۲ برخی تراجم‌نگاران سال ۱۳۳۰ را ذکر کرده‌اند (حرزالدین، [بی‌تا]: ۱۵۸/۲)؛ برخی دیگر سال ۱۳۰۳ق. را معین کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۸ق: ۴۹۱/۱۴).

۳ تولد حاج شیخ عبدالکریم حائری را برخی حدود سال ۱۲۷۶ ذکر کرده‌اند (امین، ۱۴۰۳ق: ۴۲/۸) و برخی بدون اظهار تردید، تاریخ مذکور را بیان کرده‌اند (فیض، ۱۳۴۹ش: ۳۱۵/۱؛ ریحان یزدی، ۱۳۷۲: ۲۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

مهدی شیرازی خواند. پس از آن، درس خارج استصحاب را نزد میرزا ابراهیم شیرازی فرا گرفت. همچنین از محضر علمی شیخ فضل‌الله نوری بهره برد. آنگاه در درس میرزای شیرازی، میرزا محمدتقی شیرازی و سید محمد فشارکی شرکت کرد. او حدود دوازده سال در سامرا زندگی کرد. پس از رحلت میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ق. و با هجرت سید محمد فشارکی به نجف اشرف، او نیز همراه استاد خویش به نجف مهاجرت کرد. در نجف علاوه بر شرکت در درس سید محمد فشارکی، در درس آخوند خراسانی نیز حاضر شد. در سال ۱۳۱۳ق. به حج مشرّف شد. شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۱۶ق. پس از در گذشت استادش سید محمد فشارکی، به سلطان‌آباد (اراک) هجرت کرد و به مدت هشت سال در این شهر رحل اقامت افکند. او در این سال‌ها به تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۲۴ق. به نجف مراجعت کرد و مدتی بعد رهسپار کربلا گردید. در ۱۳۳۲ق. به سلطان‌آباد بازگشت. او تا سال ۱۳۴۰ق. در این شهر به ادارهٔ حوزه علمیه اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۰ق. به قم مهاجرت و حوزهٔ علمیه قم را تأسیس کرد. سید محسن امین نویسندهٔ *اعیان الشیعه* او را در سال ۱۳۵۳ق. در قم زیارت کرده بود. امین او را به خردمندی، زیرکی، دانش و فضل ستوده است. وی در بهمن ۱۳۱۵ ش برابر با ۱۷ ذی‌قعده ۱۳۵۵ق، شش ماه پس از درگذشت هم‌درس خویش میرزای نائینی، در قم از دنیا رفت و پس از اقامهٔ نماز میت بر جنازه‌اش توسط سید فخرالدین قمی، در مسجد «بالا سر» حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۱۱۵۹/۱۵؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۵۶؛ امین، ۱۴۰۳ق: ۴۲/۸؛ ریحان یزدی، ۱۳۷۲: ۲۱-۳۲؛ معلم حبیب‌آبادی، ۱۴۰۵ق: ۲۱۱۸/۶-۲۱۲۰، ۲۱۸۰؛ حائری، ۱۳۷۷: ۴۶- ۴۷، ۸۷، ۹۲، ۱۱۵، ۱۱۷؛ استادی، ۱۳۷۵: ۴۹-۵۰؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۳: ۴۰۹/۳-۴۱۰؛ جواهرکلام، ۱۴۲۴ق: ۹۵۷/۲).

۴. زندگینامهٔ آیت‌ا لله نائینی

شیخ محمدحسین نائینی معروف به «میرزای نائینی» در سال ۱۲۷۷ق. در نائین متولد شد. مقدمات را در نائین فرا گرفت. در ۱۲۹۳یا ۱۲۹۵ق. به اصفهان هجرت کرد و در فقه و اصول محضر علمی شیخ محمدباقر اصفهانی را درک کرد. فلسفه و کلام را نزد جهانگیرخان قشقایی فرا گرفت. در سال ۱۳۰۳ق. به عراق هجرت کرد و وارد

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

سامرا شد و در درس سید اسماعیل صدر و سید محمد فشارکی شرکت کرد. سپس به درس میرزای شیرازی راه یافت. وی تا سال ۱۳۱۴ق. در سامرا مقیم بود و سپس به کربلا هجرت کرد. مدتی در کربلا اقامت گزید و سپس به نجف رفت و در درس خصوصی آخوند خراسانی حضور یافت. در سال ۱۳۴۱ق. از سوی پادشاه عراق به ایران تبعید شد. بعد از یک سال به نجف بازگشت و در سال ۱۳۵۵ق. در هشتاد و چند سالگی از دنیا رفت. پس از اقامهٔ نماز میت بر پیکر وی توسط آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، در یکی از حجره‌های صحن علوی دفن گردید (امین، ۱۴۰۳ق: ۵۵/۶-۵۴؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۵۹۴/۱۴-۵۹۵؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۳۹؛ معلم حبیب‌آبادی، ۱۴۰۵ق: ۲۱۶۹/۶، ۲۱۷۳، ۲۱۷۷).

ارزیابی گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

از دو راه می‌توان گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری ارزیابی کرد.

۱. مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر و ناسازگاری با واقعیت تاریخی

یکی از راه‌های ارزیابی و کشف ناسازگاری درون‌متنی گزارش پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری (که نقل آن به حاج شیخ عبدالکریم حائری و میرزای نائینی نسبت داده شده است)، مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر و واقعیت تاریخی است. توضیح آنکه براساس گزارش اول، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری را نمی‌شناخت و آن دو نیز ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را نمی‌شناختند. براساس گزارش دوم، میرزای نائینی، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را نمی‌شناخت؛ از طرفی شیخ فضل‌الله نوری و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری نیز ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را نمی‌شناختند. علاوه بر آن، طبق گزارش تراجم‌نگاران، ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در سال ۱۲۹۲ق. به اتفاق مرید و شاگردش میرزا حسین نوری و شیخ فضل‌الله نوری (داماد میرزا حسین نوری) به دنبال میرزا حسن شیرازی وارد سامرا شدند. پیش از این نیز گفته شد که مکانت علمی و معنوی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی سبب شده بود میرزا حسن شیرازی

اقامهٔ نماز جماعت را به او واگذار کند. همچنین آن‌گونه که در زندگینامهٔ شیخ فضل‌الله نوری اشاره شد، شیخ فضل‌الله نوری در سال ۱۲۸۸ق. در مسجد سهله کوفه شاهد یکی از کرامت‌های ملا فتحعلی سلطان‌آبادی بوده است. حال چگونه می‌توان پذیرفت ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، شیخ فضل‌الله نوری را که از شاگردان میرزای شیرازی و مدرّسان حوزهٔ سامرا بوده و به همراه او و میرزا حسین نوری وارد سامرا شده است، نشناخته باشد؟ همچنین با توجه به مکانت علمی و اخلاقی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، چگونه می‌توان پذیرفت شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری و میرزای نائینی او را نشناخته باشند؟ نمونه‌ای دیگر از ناسازگاری با واقعیت تاریخی، گزارش شیخ عبدالکریم حائری از کرامت ملا فتحعلی سلطان‌آبادی است. او نقل کرده است که شیخ محمدتقی شیرازی در گفت‌وگوی خویش با ملا فتحعلی سلطان‌آبادی اظهار کرده بود مادر شیخ عبدالکریم حائری در خانهٔ میرزا محمدتقی شیرازی در کارها کمک می‌کرد. پیش از این، در زندگینامهٔ شیخ عبدالکریم حائری اشاره شد که مادر او در کارهای خانهٔ میرزای شیرازی بزرگ (سید حسن شیرازی) به آنان کمک می‌کرد. پرسش این است که بیت سید حسن شیرازی با بیت میرزا محمدتقی شیرازی چه ارتباطی داشت؟ به نظر می‌رسد سید حسن امین که گزارش کرامت ملا فتحعلی سلطان‌آبادی را از حسن فرید هزاوه‌ای و او نیز از شیخ عبدالکریم حائری نقل کرده، متوجه ناسازگاری این گزارش با واقعیت تاریخی شده است؛ لذا به نظرش راهکاری رسیده که آن را در کروشه قرار داده است. او در کروشه توضیح داد که میرزا محمدتقی شیرازی داماد میرزا حسن شیرازی است. توضیح او مشکل را دوچندان کرده است؛ زیرا میرزا محمدتقی شیرازی داماد سید حسن شیرازی نبوده است. نکتهٔ آخر اینکه نائینی گفته است پس از پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ شیخ عبدالکریم حائری، وی گفت من جزو طبقهٔ دوم علما هستم، چگونه پرچم مرجعیت و علم را در قم بالا می‌برم؟! قابل یادآوری است که شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۰۳ق. وارد سامرا شد و نزد شیخ فضل‌الله نوری و سید محمد فشارکی به تحصیل مشغول شد. لذا هنگام پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی، جزو طلاب معمولی آن حوزه بوده و از زمرهٔ طبقه دوم عالمان محسوب نمی‌شده است؛ زیرا صرف نظر از عالمان نجف، در سامراء شاگردان برجستهٔ میرزای شیرازی (طبقهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

دوم عالمان) عبارت بودند از: میرزا محمدتقی شیرازی، سید محمد فشارکی، حاج آقا رضا همدانی، سید اسماعیل صدر، شیخ حسنعلی تهرانی، سید عبدالمجید گروسی، سید حسین قمی، صدر الحفاظ و دیگران (حائری، ۱۳۷۷: ۱۱۶؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۳: ۳۱۷/۳؛ نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۹).

۲. کاربست عقل و بی‌اطلاعی دو خاندان از پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی

ماهیت رویدادهای مهم دربارهٔ شخصیت‌ها، شهرت و شیوع گزارش آن در میان عالمان و به‌ویژه خاندان متبوع آن شخصیت‌هاست. اگر در مورد رویدادی مهم که معمولاً انگیزه در نقل آن فراوان است، گزارش و نقل آن شیوع و گسترش نیافته باشد، عقل در وقوع آن تردید می‌کند؛ زیرا اگر آن رویداد واقعی بود، می‌بایست دیگران به نقل آن مبادرت کنند و نقل آن به یک یا دو نفر منحصر نشود. لذا برخی عالمان بر پایهٔ قاعدهٔ «لو کان لبان= اگر حادثه‌ای رخ داده بود، نقل آن شایع می‌شد»، به ارزیابی ادعاها و احادیث می‌پردازند (شعرانی، ۱۳۷۲: شمارهٔ ۵۰-۵۱، ص۱۶۱). بر همین اساس، عدم بازتاب پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در خاندان شیخ عبدالکریم حائری و شیخ فضل‌الله نوری، عقلا را در پذیرش این پیشگویی دچار تردید کرده است. پرسش این است که این پیشگویی مهم نسبت به آیندهٔ این دو شخصیت، چرا در خاندان این دو تن بازتابی پیدا نکرده است. آیت‌الله مرتضی حائری فرزند شیخ عبدالکریم حائری که نسبت به نقل چنین رویدادهایی علاقه‌مند بود، در این زمینه سخنی نگفته است.[۱] در سال ۱۳۷۲ش. کتاب *آیت‌الله مؤسس مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری* توسط یکی از فضلا و نویسندگان حوزهٔ علمیه قم منتشر شد. نویسنده برخی از کرامت‌ها و خواب‌هایی را که از افراد موثق دربارهٔ شیخ عبدالکریم حائری نقل شده بود، با دقت و وسواس گزارش کرد (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲: ۱۹، ۲۸، ۳۳، ۵۲، ۹۶-۹۷)، ولی به پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری اشاره نکرده است. گفتنی است این اثر پیش

۱ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری یادداشت‌هایی درباره برخی خواب‌ها، کرامت‌های اولیای الهی و رویدادهای مرتبط با پدرش مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری به نام *سرّ دلبران* تنظیم کرد که به کوشش آیت‌الله استادی منتشر شد. او در این اثر از مرحوم ملا فتحعلی سلطان‌آبادی یاد کرده (حائری، ۱۳۷۷: ۱۰۳-۱۰۴)، ولی به پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری اشاره‌ای نکرده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

از انتشار، توسط آیت‌الله مرتضی حائری مطالعه شد[۱] (همان، ۹). به عبارت دیگر، آن مرحوم صحت مضامین کتاب مذکور را تصدیق کرد، ولی همان‌گونه که اشاره شد، اثری از پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دیده نمی‌شود.

دکتر مهدی حائری فرزند دیگر شیخ عبدالکریم حائری نیز در مورد چنین رویدادی اظهار بی‌اطلاعی کرده است. حسن امین شاگرد دکتر مهدی حائری که در روز یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۷۷ به همراه دو تن از دوستانش به منزل دکتر مهدی حائری در تهران رفته بودند، نوشته است: «من برای استاد داستان غریبی را که بی‌واسطه از مرحوم سید حسن فرید هزاوه‌ای اراکی در نشستی به همراهی دوست دیرینم منوچهر صدوقی سها شنیده بودم و مرحوم فرید در اراک بی‌واسطه از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی شنیده بود، نقل کردم که بنا بر آن داستان، مرحوم آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی در خدمت میرزای شیرازی سال‌ها قبل از وقوع، از مصلوب شدن حاج شیخ فضل‌الله نوری در تهران و مرجعیت حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم خبر داده بود. استاد حائری فرمود تاکنون این قصه را نشنیده است. استاد بعد فرمود: وقتی شیخ مرتضی انصاری و شاگردان صبح زود پس از مراجعت از کوفه، پشت در حرم امیرالمؤمنین(ع) مانده بودند، یکی از شاگردان جلو آمد و به شیخ انصاری گفت مگر شما هنوز به آن مقام نرسیده‌اید که قفل در حرم برای شما باز شود؟ شیخ انصاری فرمود در حیات خودم خیر، اما صبر کن پس از مرگم خیلی کرامت‌ها به من نسبت خواهند داد که یکی از آنها باز شدن در بسته به روی من خواهد بود» (امین، ۱۳۷۸، دفتر ۶۵، تابستان ۷۸، ص۱۶-۱۷).

آیت‌الله اراکی از مراجع تقلید و از با سابقه‌ترین شاگردان آیت‌الله حائری، ضمن نقل برخی کرامت‌ها دربارهٔ استادش، به پیشگویی ملا فتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ آیت‌الله حائری اشاره‌ای نکرده است (اراکی، ۱۳۶۴: شماره ۱۲، صص۲۱-۴۷).

آیت‌الله حاج‌آقا حسن فرید محسنی نوهٔ حاج‌آقا محسن و شاگرد آیت‌الله شیخ

---

۱ نویسندهٔ کتاب *آیت‌الله مؤسس؛ مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری* نوشته است: «امتیاز این کتاب بر سایر نوشته‌هایی که درباره مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری در دست است، این است که کتاب حاضر از نظر مبارک فقیه و عالم کم‌نظیر مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری - اعلی الله مقامه - فرزند اکبر و بزرگوار آن مرد عظیم رسیده و با لطف و بزرگواری مخصوص که دربارهٔ این جانب فرمودند، سراسر کتاب را مطالعه کردند و بالاتر آن که نکات و مطالبی را هم بر آن افزودند» (کریمی جهرمی، ۱۳۷۲: ۹).

عبدالکریم حائری که خاندان او در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۴ق. و ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ق. میزبان آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری در اراک بودند، با اینکه به نقل این سری رویدادها علاقه نشان می‌داد، به نقل آن نپرداخته است. همچنین شاگردان آیت‌الله حاج آقا حسن فرید محسنی، از قبیل آیت‌الله خرازی و آیت‌الله استادی چنین رویدادی را از استادشان نقل نکرده‌اند. میرزا حسین نوری شاگرد ملا فتحعلی و پدرزن شیخ فضل‌الله نوری در کتاب *دار السلام* از ملافتحعلی سلطان‌آبادی بسیار تمجید کرده و برخی کرامت‌های او را نقل کرده است (نوری، [بی‌تا]: ۳۱۷/۲)، ولی به این پیشگویی اشاره‌ای نکرده است. همچنین تراجم‌نگارانی چون سید حسن صدر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محسن امین و شیخ عباس قمی که به شرح احوال ملا فتحعلی سلطان‌آبادی پرداخته‌اند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ۱۳/۱۷؛ امین، ۱۴۰۳ق: ۳۹۲/۸)، به این پیشگویی اشاره‌ای نکرده‌اند. بر این اساس، عقلایی نیست که پیشگویی مذکور -آن هم با چنان ویژگی‌هایی که در نقل شیخ عبدالکریم حائری و میرزای نائینی وجود دارد- روی داده باشد و در عین حال دو خانواده از آن اطلاعی نداشته باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه دانش تراجم‌نگاری با دانش تاریخ ارتباطی وثیق دارد، آسیب‌هایی که گزاره‌های تاریخی دچار آن می‌شوند، شامل گزاره‌های تراجمی نیز می‌شود. همچنین معیارهای اعتبارسنجی و ارزیابی گزاره‌های تاریخی با معیارهای اعتبارسنجی و ارزیابی گزاره‌های تراجم‌نگاری یکسان است. تکیه بر زندگینامهٔ علمی-تقویمی چهار شخصیت محوری پیشگویی آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی دربارهٔ سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری و کاربست مقایسهٔ سال‌ها با یکدیگر و نیز اعتبارسنجی گزارش مذکور توسط عقل و بی‌اطلاعی دو خاندان علمی شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری از این پیشگویی، همگی گویای مُتقَن نبودن گزارش پیشگویی آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی از سرانجام شیخ فضل‌الله نوری و شیخ عبدالکریم حائری است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- آقا بزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۳۰ق)، *طبقات أعلام الشیعة*، ج۱۳، ۱۴ ، ۱۵، ۱۷، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- ..... (۱۳۶۳)، *میرزای شیرازی*، ترجمهٔ اداره کل تبلیغات و انتشارات، [بی‌جا]: وزارت ارشاد اسلامی.
- آل احمد، جلال (۱۳۵۷)، *در خدمت و خیانت روشنفکران*، ج۲، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۶)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، ج۱، تهران: جاویدان.
- ابن‌العبری ملطی، ابوالفرج (۱۳۶۴)، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمهٔ محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ابن‌سعد، محمدبن سعد (۱۴۱۴ق)، *الطبقات الکبری*، ج۲، ۳، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌میثم بحرانی، علی‌بن میثم (۱۴۰۶ق)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم: مکتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن‌هشام، عبدالملک‌بن هشام [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، ج۲، بیروت: داراحیاء التراث العربیه.
- اراکی، محمدعلی (۱۳۶۴)، «مصاحبه با آیت‌الله اراکی»، *مجله حوزه*، ش۱۲، صص۲۱ -۴۷.
- استادی، رضا (۱۳۷۵)، *شرح احوال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی*، اراک: انجمن علمی-فرهنگی و هنری استان مرکزی.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۷۴)، *مقاتل الطالبیین*، قم: شریف الرضی.
- امین، حسن (۱۴۱۶)، *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج۷، بیروت: دارالتعارف.
- ..... (تابستان ۱۳۷۸)، «یادی از شادروان دکتر مهدی حائری یزدی»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۶۵، صص۱۶-۱۷.
- ..... (۱۳۷۵)، «آخوند ملافتحعلی سلطان آبادی»، *کیهان اندیشه*، ش۶۵، صص۱۷۵-۱۷۸.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، ج۶، ۸، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- انصاریان، محمدتقی (۱۳۹۸)، *فقیه مؤسس*، قم: انتشارات انصاریان.
- بیاضی، علی‌بن یونس [بی‌تا]، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، تهران: المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریه.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۹)، *شواهد النبوة*، به کوشش سید حسن امین، تهران: میر کسری.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران*، قم: نشر مورخ.
- جمعی از نویسندگان نویسندگان (۱۴۱۸ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، ج۱۴، قم: مؤسسة الامام الصادق(ع).
- جواهرکلام، عبدالحسین (۱۴۲۴ق)، *تربت پاکان قم*، ج۲، قم: انصاریان.

- حائری، مرتضی (۱۳۷۷)، *سرّ دلبران*، قم: انتشارات در راه حق.
- حرزالدین، محمد [بی‌تا]، *معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء*، ج۲، قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- حسن‌بگی، علی (۱۳۹۶)، *آسیب‌شناسی نقد و تحلیل تاریخ*، اراک: دانشگاه اراک.
- حکیم، حسن عیسی (۱۴۲۷ق)، *المفصل فی تاریخ النجف الاشرف*، ج۸، قم: المکتبة الحیدریة.
- حکیم، محسن (۱۴۰۸ق)، *حقائق الاصول*، ج۱، قم: مکتبة بصیرتی.
- خرازی، محسن (۱۳۸۷)، *روزنه‌هایی از عالم غیب*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- خطیب بغدادی، احمدبن علی (۱۴۰۵ق)، *الکفایه*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ..... (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، ج۷، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحدیث*، ج۲۳، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۹۶)، *کارنامه تاریخی انجدان و اراک*، اراک: دانش کیان.
- ریحان یزدی، علیرضا (۱۳۷۲)، *آینه دانشوران*، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- زمخشری، محمودبن عمر [بی‌تا]، *الکشّاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، ج۵، قم: نشر ادب الحوزه.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷)، *سنت و مدرنیته*، تهران: انتشارات روزنه.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهرکلام، ج۳، تهران: امیرکبیر.
- شبیری زنجانی، موسی (۱۳۹۰)، *جرعه‌ای از دریا*، ج۲، قم: مؤسسهٔ کتابشناسی شیعه.
- ..... (۱۳۹۳)، *جرعه‌ای از دریا*، ج۳، قم: مؤسسهٔ کتابشناسی شیعه.
- شریف رازی، محمد [بی‌تا]، *گنجینه دانشمندان*، ج۳، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۲)، «رساله‌ای در علم درایه»، *نور علم*، ش۵۰-۵۱، صص۱۵۰-۱۷۵.
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۴۳۰ق)، *نهایة الاقدام فی علم الکلام*، قاهره: مکتبة الثقافیة الدینیة.
- صدر، حسن [بی‌تا]، *تکملة أمل الآمل*، تحقیق حسین علی محفوظ، ج۴، بیروت: دارالمؤرخ العربی.
- صدوقی سها، منوچهر (آبان ۱۳۵۷)، «فرید هزاوه‌ای»، *وحید*، ش۲۴۳، صص۵۲-۵۴.
- ..... (۱۳۸۱)، *تاریخ حکما و عرفای متأخر*، تهران: انتشارات حکمت.
- صدیق، حسن (۱۳۷۲)، نامداران اراک، به کوشش محمدرضا محتاط، اراک: نشر کارا.
- علامه حلی، حسن‌بن یوسف (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله (۱۳۸۰)، *اللوامع الالهیة*، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، ج۲۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

- فیض، عباس (۱۳۴۹)، *گنجینه آثار قم*، ج۱، قم: [بی‌نا].
- کریمی جهرمی، علی (۱۳۷۲ش)، *آیت‌الله مؤسس؛ مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری*، قم: منشورات دار الحکمه.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۸ق)، *صراط الحق*، ج۳، قم: ذوی القربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹)، *زمزم عرفان*، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- مشیدی، جلیل (۱۳۷۹)، *کلام در کلام مولوی*، اراک: دانشگاه اراک.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا.
- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۵ق)، *مکارم الآثار*، ج۶، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.
- مؤلف ناشناخته (۱۳۷۱)، «رساله در ترجمت حال آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی»، *کیهان اندیشه*، ش۴۵۴، ص۶۹-۸۱.
- نراقی، مهدی (۱۳۸۰)، *انیس الموحدین*، قم: نشر پیام مهدی(عج).
- نعیمی، داوود (۱۳۸۵)، *سلطان سلوک؛ شرح احوال، خاطرات و آثار آخوند ملا فتحعلی سلطان‌آبادی*، قم:کومه.
- نورمحمدی، محمدجواد (۱۳۹۴)، *گوهر پاک*، قم: مؤسسهٔ کتابشناسی شیعه.
- نوری، حسین [بی‌تا]، *دار السلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام*، ج۲، قم: المعارف الاسلامیه.
- واعظ خیابانی، میرزا علی (۱۳۸۲)، *علمای معاصر*، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- ولاشجردی فراهانی، غلامعلی (۱۳۸۲)، *نام‌های ماندگار*، اراک: پیام دیگر.

List of sources with English handwriting

- The Holy Quran
- Al-Ahmad, Jalal, in the service and betrayal of intellectuals, Tehran, Kharazmi Publications, 1978.
- Ebrahim Hassan, Hassan, Political History of Islam, Translator: Abu Al-Qasim Payende, Tehran, Javidan, 1997.
- Ibn al-Abri Malati, Abu al-Faraj, A Brief History of the State, Translator: Mohammad Ali Tajpour and Heshmatullah Riyazi, Tehran, Information Publications, 1985.
- Ibn Sa'd, Muhammad ibn Sa'd, Al-Tabqat al-Kubra, Beirut Dar al-Fikr, 1414 AH.
- Ibn Maysam Bahrani, Ali Ibn Maysam, Qawa'd al-Maram fi Alam al-Kalam, Qom, Maktab Ayatollah al-Uzami al-Marashi al-Najafi, 1406 AH.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]

[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

- Ibn Hisham, Abdul Malik Ibn Hisham, Al-Sira Al-Nabawiyyah, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabiya, Bita.
- Araki, Mohammad Ali, Hozeh Magazine, Vol. 12, "Interview with Ayatollah Araki", Qom, Islamic Propaganda Office Publishing Center, 1985. Ostadi, Reza, Description of the life of Grand Ayatollah Araki, Arak, Markazi Province Scientific, Cultural and Artistic Association, 1996.
- Isfahani, Abu al-Faraj, the fighter of the students, Qom, Sharif al-Radhi, 1374.
- Amin, Hassan, Kayhan Andisheh, Sh. 65, 1996, pp. 175-178.
- Amin, Hassan, Mustadrakat Ayan al-Shi'a, Beirut, Dar al-Ta'rif, 1418 AH.
- Amin, Hassan "Remembrance of the late Dr. Mehdi Haeri Yazdi", University of Tehran, Articles and Reviews, Office 65, Summer 1999. pp. 16-17.
- Amin, Mohsen, Ayan al-Shi'a, Beirut, Dar al-Ta'rif for publications, 1403 AH.
- Ansarian, Mohammad Taghi, Founding Faqih, Qom, Ansarian Publications, 1398.
- Aghabzorg Tehrani, Mohammad Mohsen, Mirzai Shirazi, translation of the General Directorate of Propaganda and Publications, Bija, Ministry of Islamic Guidance, 1984.
- Aqab-e-Zarg Tehrani, Mohammad Mohsen, Classes of Shiite Media, Beirut, Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, 1430 AH.
- Bayazi, Ali Ibn Yunus, Al-Surat Al-Mustaqim Al-Mustahaqi Al-Taqdim, Tehran, Al-Muktabah Al-Mortazawiyyah Al-Ihya Al-Athar Al-Jaafariyah, Tehran, Bita.
- Jami, Abdolrahman, Evidences of Prophethood, by the efforts of Professor Seyed Hassan Amin, Mir Kasra, Tehran, 2000.
- Jafarian, Rasoul, Currents and Religious-Political Organizations of Iran, Qom, published in 2007.
- Jawaher Kalam, Abdul Hussein, Torbat Pakan Qom, Qom, Ansarian, 1424 AH.
- Jahromi, Ali, Ayatollah, the founder of the late Mr. Haj Sheikh Abdul Karim Haeri, Qom, Dar al-Hikma Publications, 1993.
- Haeri, Morteza, Sir Delbaran, Qom, Publications in the Way of Truth, 1998.
- Harz al-Din, Muhammad, The Knowledge of Men in the Translation of Scholars and Literature, Qom, School of the Grand Ayatollah Marashi Al-Najafi, Bita.

- Hassan Begi, Ali, Pathology of History Criticism and Analysis, Arak, Arak University, 2017.
- Hakim, Hassan Isa, Al-Mufsal Fi Tarikh Al-Najaf Al-Ashraf, Qom, Al-Muktabah Al-Haydariyeh, 1427 AH.
- Hakim, Mohsen, The Truths of Principles, Qom, Insight School, 1408 AH.
- Kharazi, Mohsen, Holes from the Unseen World, Qom, Jamkaran Holy Mosque Publications, 2008.
- Khatib Baghdadi, Ahmad Ibn Ali, Al-Kifaya, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi, 1405 AH.
- Khatib Baghdadi, Ahmad Ibn Ali, History of Baghdad, Beirut, Dar al-Kitab al-Almiyeh, 1417 AH.
- Khoei, Abu al-Qasim, Dictionary of Hadith Men, Qom, Shiite Works Publishing Center, 1410 AH.
- Dehgan, Ebrahim, Historical Record of Anjodan and Arak, Arak, Danesh Kian, 2017.
- Reyhan Yazdi, Alireza, Ayneh Daneshvaran, Qom, Publications of Grand Ayatollah Marashi Najafi Library, 1993.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar, Al-Kashaf on the facts of the ambiguity of revelation and the eyes of the eyes in the aspects of interpretation, Qom, publication of the literature of the seminary, no.
- Ziba Kalam, Sadegh, Tradition and Modernity, Tehran, Rozaneh Publications, 1998.
- Zidan, George, History of Islamic Civilization, Translator: Ali Javaher Kalam, Tehran, Amir Kabir Publishing Institute, 1993.
- Shubiri Zanjani, Musa, A Drink from the Sea, Qom, Shiite Bibliography Institute, 2011 and 2014.
- Sharif Razi, Mohammad, Treasure of Scientists, Tehran, Islamic Bookstore, Bita.
- Sha'rani, Abolhassan, "A Treatise on the Science of Knowledge", Noor Alam, pp. 50-51, p. 161, Qom, Journal of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, 1993.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

- Shahrestani, Muhammad ibn Abd al-Karim, The End of the Initiative in theology, Cairo, Al-Thaqafiya Al-Diniyah School, 1430 AH.
- Sadr, Hassan, Completion of Amal Al-Amal, Researcher: Hussein Ali Mahfouz, Beirut: Dar Al-Murakh Al-Arabi, Bita.
- Sadoughi Saha, Manouchehr, "Farid Hazavei", November 1978, Vahid, No. 243.
- Sadoughi Saha, Manouchehr, History of Wise Men and Late Mystics, Tehran, Hekmat Publications, 2002.
- Allama Hali, Hassan Ibn Yusuf, Kashf al-Murad, Qom, Islamic Publishing Institute, 147 AH.
- Fadhil Muqdad, Muqdad bin Abdullah, The Divine Love, Qom, Publication Center for the Islamic Media Library, 2001.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar, Mafatih al-Ghayb, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, 1420 AH.
- Feyz, Abbas, Treasure of Qom Works, Qom, Bina, Mehr Ostovar Printing House, Qom, 1349.
- Mohseni, Mohammad Asif, Sarat al-Haq, Qom, Dhu al-Qirbi, 1428 AH.
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, Zamzam Erfan, Qom, Dar al-Hadith Publishing Organization, 2010.
- Mashidi, Jalil, Word by word Rumi, Arak, Arak University, 2000.
- Motahari, Morteza, Mutual services between Islam and Iran, Qom, Sadra, 1980.
- Teacher Habibabadi, Mohammad Ali, Makarem Al-Athar, Isfahan, Isfahan Public Libraries Association, 1405 AH.
- Mohajeri, Masih, Ayatollah Sistani and the New Iraq, Tehran, Jomhuri Eslami Newspaper Publishing Organization, 2011.
- Famous people of Arak, Siddiq, Hassan, Arak, Bija, Bina, 1993.
- Naraghi, Mehdi, Anis Al-Movahedin, Qom, Publishing the message of Mehdi (as), 2001.
- Naimi, Davood, Sultan Seluk (biography, memoirs and works of Mullah Fatah Ali Sultanabadi), Komeh, 2006.
- Noor Mohammadi, Mohammad Javad, Gohar Pak, Qom, Shiite Bibliography Institute, 1985.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]

- Nouri, Hussein, Dar al-Salam Fima belongs to the dream and the name, Qom, Islamic Enlightenment, unpublished.
- Street preacher, Mirza Ali, Contemporary Scholars, Qom, Navid Islam Publishing Office, 2003.
- Valashjerdi Farahani, Gholam Ali, Immortal Names, Arak, Another Message, 2003.
- "Treatise on the translation of the present of Mullah Fath Ali Sultanabadi", Kayhan Andisheh, 454, 1992, pp. 69-81.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-11]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.52.7.5]
[DOI: 10.52547/pte.14.52.125]